

ملی شدن نفت، به کام صنعت نفت یا برای غرور ملی؟

حمیدرضا شکوهی

پیروزی انقلاب اسلامی، محمدرضا پهلوی با عدم تمدید قرارداد با کنسرسیوم، تلاش کرد گامی در جهت تقویت حاکمیت ملی یاران بر صنعت نفت بردارد که بسیاری معتقدند این نگرش او که همزمان با افزایش تولید نفت ایران و افزایش قیمت نفت صورت گرفت، در سقوط حکومت او بی تاثیر نبود.

اما هر چه بود روز ملی شدن نفت ایران به عنوان یک روز ماندگار در تاریخ ایران ثبت شده است تا نماند برای غرور ملی باشد؛ حتی اگر تاثیراتش در صنعت نفت، به اندازه تاثیرش در افزایش غرور ملی نبوده باشد. آنچه در این گزارش میبینید تصویری از کاریکاتورهای منتشر شده در مطبوعات جهان است که از زوایای مختلف به «ملی شدن صنعت نفت ایران» در سال ۱۳۲۹ پرداختند.

این کاریکاتورها از کتاب «زندگینامه و مبارزات سیاسی دکتر مصدق» نوشته «دکتر نصرالله شیفته» انتخاب شده‌اند.

که این موضوع واکنش صریح آیت الله کاشانی را در پی داشت که ادامه مبارزه برای ملی شدن نفت را واجب اعلام کرد و به رزم آرا هشدار داد.

۲۴ اسفند ۱۳۲۹ طرح دکتر محمد مصدق و یارانش مبنی بر ملی شدن نفت کشور به تصویب مجلس رسید و پنج روز بعد یعنی ۲۹ اسفند، سنا نیز با وجود اعتراض دولت انگلستان، طرح را تصویب کرده که همان روز به امضای شاه رسید و قانون شد. به پیشنهاد دکتر مصدق «۲۹ اسفند» روز ملی و تعطیل عمومی اعلام شد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز، با وجود زاویه حاکمیت با دکتر مصدق و نیروهای ملی، این مناسبت در تقویم رسمی کشور درج شد. ملی شدن نفت، اگرچه به عنوان مظهر غرور ملی، در خاطره جمعی ایرانیان ثبت شد و به منظری برای اتحاد ملی گرایان تبدیل شد و آغاز حاکمیت ایران بر نفت خود را آغاز کرد، اما عملاً تاثیری در ملی شدن مجموعه صنعت نفت نداشت و صنعت نفت ایران همچنان وابسته به غرب ماند. در سالهای منتهی به

مذهبی در کنار هم قرار گرفتند تا اتحاد تاثیرگذار آنها زمینه ساز ملی شدن نفت شود. روز ۱۹ آذر ۱۳۲۹ گزارش کمیسیون نفت به وسیله حسین مکی، مخبر کمیسیون در مجلس شورای ملی، قرائت شد و یک ماه بعد، نمایندگان جبهه ملی در مجلس شورای ملی رسماً طرح ملی شدن نفت را مطرح کردند. سپس از طرح این موضوع در مجلس که سهپهد رزم آرا نخست وزیر وقت، در مقابل آن قرار داشت، از یک سو به دعوت آیت الله کاشانی و جبهه ملی، تظاهرات گسترده ای برای حمایت از طرح ملی شدن نفت در تهران برگزار شد و سایر مراجع و روحانیون نیز از آیت الله کاشانی حمایت کردند و از سوی دیگر مطبوعات حامی ملی شدن نفت که در راس آن روزنامه باختر امروز به مدیریت دکتر حسین فاطمی قرار داشت، با حمایت از از ملی شدن نفت، به روشنگری افکار عمومی پرداختند تا این موضوع به یک مطالبه ملی تبدیل شود. اواخر دی ماه، تعدادی از روزنامه نگاران منتقد از جمله فاطمی‌بارداشت شدند

اگرچه ۲۹ اسفند، روز ملی شدن نفت ایران است، اما جریان ملی شدن نفت، از ماهها پیش از آن آغاز شد و ۲۴ اسفند ۱۳۲۹، یعنی هفتاد سال پیش در مجلس شورای ملی به تصویب رسید تا مهمترین مناقشه دکتر محمد مصدق با دربار پهلوی، به سود نفت پایان یابد. هرچند این اتفاق، ماندگار نبود و در نهایت، نه نفت ایران ملی شد و نه این قیام ملی، پایدار ماند.

پاییز و زمستان ۱۳۲۹ نهضت ملی شدن نفت ایران که پیش از آن صرفاً در سخنان شخصیت‌های سیاسی مطرح بود، با دیدار آیت الله کاشانی و دکتر مصدق در آبان ماه، وارد فاز اجرایی شد. رزم آرا در پاییز ۱۳۲۹ قرارداد الحاقی را به مجلس ارائه داد که توسط کمیسیون نفت مجلس رد شد و همین امر عامل رودررویی رزم آرا و حامیان ملی شدن نفت در مجلس شد. هماهنگی مصدق و کاشانی که پس از رد قرارداد الحاقی در مجلس شکل گرفت، مهمترین مقدمه پیروزی نهضت ملی شدن نفت بود، چراکه دو بازی ملی و



غورای امنیت که -هل است بآسان حتم هم بری از این شرفهت بیرون نبراهد آمد . «از سیاست‌ها»



شیر بی‌اشکم و دم انگلیس با شمشیر شکسته به جنگ دکتر مصدق آمده است. «از صبح ایران»



از باختر امروز



تعلیم‌یابانها به دکتر مصدق - ترا بدها بمن هم یگو دم این شیر را چطور بریدی که صدایش هم در نیاید؟ «کاریکاتور از نیویورک تایمز (۱۹۷۰)»



در این تصویر کاریکاتوریت، سبیل به کشور ایران و انگلیس و شوروی را شکل (شیر و خورشید) و (شیر پاشسته) انگلیس و (شروس حیرت‌زده) روس، در صحنه مبارزه با ملی شدن صنعت نفت توسط ملت ایران، آنها را به حیرت و شکست دچار ساخت. «نقل از روزنامه باختر امروز»



دوران است مغرورگیی آمریکا در ایران با پیشنهادات جدیدی درباره نفت بشیران مراجعت کند. «کاریکاتور از مجله نیوزویک (آمریکا)»



«نیضت ملی ایران دماغ هیئت حاکمه انگلیس را بغلط طبع درآمد نفت ایران فیدیدا سوزانید.» «باختر امروز»



از «شانکارس» چاپ هندوستان. «جواب «های» . «گوی» است.»



تعلیم‌یابانها نخست‌وزیر معمر که با شیر بریتانیا در اندازه کباب دهن رام‌کردن شیر، پشتر دگر مصدق را مطالعه میکند. «کاریکاتور از روزنامه دیلی گرافیک (انگلستان)»



استفاده از قدرت. ساحر ایرانی نفتخوار انگلیس را پائین میافکند، ولی صمو استالین با سطل خود آماده است که جانشین او بشود. «کاریکاتور از (ولت وخنه) چاپ سوئیس.»



«شیره» امپراطوری و نفت ایران. «کاریکاتور از کاناز انشحه (فرانسه)»

اسطوره‌سازی یا اسطوره‌زدایی از مصدق

محمد آخوندپور امیری

همواره از سوی گفتمان‌های غیر در یک زنجیره هم‌ارزی به چالش گرفته می‌شوند و این دور تسلسل گفتمانی همواره برقرار است. فنی الواقع تثبیت همیشگی گفتمان‌ها هیچ گاه قابل تصور نیست. این نگاه، درست در نقطه مقابله تعبیر گفتمانی «فوکویی» قرار می‌گیرد که بر ثبات گفتمان‌ها تأکید می‌کند و اعتقادی بر دور تسلسل گفتمانی ندارد. با این گذار مفهومی و تئوریک باید عنوان نمود که پایه‌های گفتمانی ضد مصدقی برخی از دوستان، از چنان ضعیف‌های تاریخی، تئوریک و تئوریکی برخوردار است که نمی‌توان بعنوان گفتمان «خصمی» که آمده تا گفتمان مصدق را به بقراً ببرد حتی تصورش را نمود. بنابراین باگ‌های معرفتی، تاریخی و تئوریک اندیشه مخالفان مصدق، تنها توهمی کم‌دی و از مفهوم دموکراسی رادیکال «رنستو لاکالو» و «شاتال موفه» در نظر بگیریم، گفتمان‌های مسلط

رقم زده باشد؛ اما قطعاً ریشه‌های نهال اندیشه اراده و خواست یک ملت را در بطن این خاک زرخیز کاشته است. ریشه‌هایی که پس از آن بارها و بارها همچون سروی راست قامت و برافراشته در دل این خاک ریشه دوانده است. مصدق فعل خواستن، اراده یک ملت از دل همه حقارت‌های تاریخی و فساد نهفته در سیستم بارگاه شاهنشاه را به نیکی عیان نمود. به باور نگارنده این سطور، جریان تاریخ از پس همه رویدادهای «خطی» و «دورانی»، حامل نکات ارزنده ای است که می‌توان با عنوان «فصل رویش اسطوره‌ها» از آن یاد نمود. باید اشاره نمود که کهن سرزمین‌هایی همچون ایران، با سابقه

اما با وجود اسناد منتشره از کودتای ننگین ۲۸ مرداد، و تحقیقات ارزشمند جامعه شناسان تاریخی انقلاب (همچون آبراهامیان)، همچنان عده ای بر طبل خیانت مصدق، عدم وقوع کودتا در ایران و بی ارزش بودن کارهای مصدق می‌گویند. گویی ادامه همان روال سیاست ورزی آغشته به فساد شاه، دربار و مجلس شورای ملی، قرار بود ساخت سیاست ورزی این مرز و بوم را دگرگون سازد و ما را رهسپار بهشتی موعود گرداند. اما آنچه حائز اهمیت است این که راه مصدق و اقدامات او، اگر در برهه ای از تاریخ پر فراز و نشیب این سرزمین، شکست جریان آزادی خواهی را به شکلی ترازیک

نگارنده این یادداشت تداعی گسر واژگان دیگری نیز بوده و هست. سیاستمدار حقوق خوانده ای که عرصه سیاست را به نیکی می‌شناخت. از والی فارس و آذربایجان گرفته تا نمایندگان مردم در مجلس شورای ملی تنها بخشی از عرصه سیاست ورزی و کشگری اوست. او دریافته بود که «بله قربان گویی» به پیشگاه شاهنشاه قوی شوکت، ریشه فساد و تباهی را در این سرزمین گسترانیده است. دستگاه عریض و طویل شاهنشاه آریامهر، جولانگاه شاه، وزیر و عوامل بیگانه ای گشته که ذره ای دغدغه ملک و میهن را نداشته و ندارد.

از مصدق گفتن و از مصدق شنیدن برای نگارنده این یادداشت همواره پیامد دو اتفاق مهم و حیاتی بوده و هست.

اول آنکه در روزگاری که این سرزمین، پس از حوادث شهریور ۱۳۲۰ و جلوس فرزند جوان رضا شاه (محمدرضا شاه) بر تخت سلطنت، در میانه زیاده خواهی‌های دو قسوی روس و انگلیس به گوشته قربانی فیدل گشته بود که چوب حراج بر اموال و دارایی آن می‌زدند، درست در روزگاری که عزت و استقلال این ملک و میهن به راحتی به سُخره گرفته می‌شد؛ سسر برآوردن اسطوره ای به مانند «محمد مصدق» خود پیام آور فصل جدیدی از به فعل درآمدن و صورت‌بندی مفهومی واژگانی چون «اراده» و «هویت ملی» است. تا پیش از آن، مردمان این دیار خسته از جنگ، غارت و قحطی، دوره ای از استیصال، خاموشی و درماندگی را سپری می‌نمودند. اما مصدق برای